

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۴

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

دوره ۲۱- شماره ۷۹- بهار ۱۴۰۳- صص: ۲۶۹-۲۵۵

مقاله پژوهشی

بررسی شگردهای بلاغی در اشعار عرفانی ابن معصوم شیرازی

^۱ بهار امید

^۲ صادق ابراهیمی کاوری

^۳ جواد سعدون زاده

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی برجسته‌ترین فنون بلاغی اشعار ابن‌معصوم شیرازی است. جامعه آماری مطالعه اشعار عرفانی وی ابیاتی است که ابن‌معصوم فراتر از بدیع لفظی به همسوسازی آن‌ها با آرایه‌ها از طریق دیدگاه و اندیشه فکری خویش برای رسیدن به آن‌ها همت گماشته است. پرسش اصلی پژوهش این است که ابن‌معصوم در ساختار عناصر یک بیت چه شیوه و سبکی را در به کارگیری علم بدیع و بیان مدنظر دارد. وی در سرودن اشعار به آراستن زبان و صنایع ادبی حوزه بدیع اهمیت بسیاری داده است. شناخت پربسامدترین شیوه‌های سخن آرای اشعار ابن‌معصوم و سبک و سیاق پیوند زدن آن‌ها به اندیشه‌های بنیادین و عرفانی‌اش ضروری است. ابن‌معصوم به این توجه دارد که سخن مؤثرتر سخنی است که آراسته‌تر باشد؛ بنابراین به انواع تصویر با هدف تأکید بر مضامین عرفانی، جلوه دیگر بخشیده است که این امر فراتر از لفظ‌پردازی و آراستن صرف ابیات است؛ هدف ابن‌معصوم برجسته‌سازی و تاثیرگذاری افکار خویش به مدد این گونه صناعات ادبی است. این کارکرد در اشعار وی تاکنون بررسی نشده است. نتیجه این است که ابن‌معصوم با آگاهی و تسلط بر کارکردهای علم بیان و بدیع، اشعارش را تاثیرگذارتر ساخته است. همچنین از یافته‌های تحقیق این است که ابن‌معصوم همانند برخی شاعران دوران خود در بسیاری از قصاید از آرایه‌های ادبی به ویژه جناس و تضاد و استعاره و تشبیه و.. استفاده نموده و از این طریق سعی در مزین کردن اشعارش داشته است.

کلیدواژه‌ها: ابن‌معصوم شیرازی، اشعار عرفانی، بیان، بدیع، صورخیال.

۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران. نویسنده مسئول:

Ebrahimi.kavari70@iauabadan.ac.ir

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهیدچمران، اهواز، ایران.

پیشگفتار

بحث و بررسی در زمینه زبان و زوایای آن، همیشه نکات جدیدی برای اهل علم به ارمغان می‌آورد، و رازی از رازهای پدیده جهان یا زبان را کشف می‌کند، همانا زبان هر روز روش جدیدی برای تسهیل این انتقال کشف می‌کند تا از نظر علمی از این قضیه تخلفی صورت نگیرد و در راه ادا کردن هدفش در زمینه پیشرفت و کمال بشری پیروز و موفق گردد. بلاغت در لغت به معنای شیوایی، رسایی و سخنوری است و در اصطلاح مطابقت کلام با مقتضای حال مخاطب را گویند. علاوه بر کلام، بلاغت را صفت متکلم نیز دانسته‌اند. جلال الدین همایی گوید: بلاغت کلام آن است که جمله فصیح و برای بیان مقصود گوینده، واضح و رسا و مطابق مقتضای حال و مقام باشد (همایی، ۱۳۸۰: ۲۴).

بلاغت به معنی چیره‌زبانی (صفی پوری، جلد ۱: ۲)، زبان آوری، شیوا سخنی، رسایی آورده‌اند (همایی، ۱۳۷۰: ۳). سخن‌شناسان تعاریف متعددی از واژه بلاغت ارائه داده‌اند، در یک بررسی کلی می‌توان به این نتیجه رسید که آنچه در همه تعاریف مشترک است ویژگی خاص و ذاتی بلاغت یعنی «تأثیرگذاری» است. علوم بلاغی به دو دانش معانی و بیان و گاهی بدیع محدود می‌شود. اصل و منشأ بلاغت به ادب عرب برمی‌گردد و به شدت تحت تأثیر آن است. در قرون دوم و سوم، علما و ادبای عرب در زمینه اعجاز قرآن و بلاغت آن به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند، از همین جا بود که دیباچه علم بلاغت گشوده شد، از آن پس ادیبانی که بیشتر ایرانی بودند به تألیف کتاب‌های متعدد در این زمینه پرداختند. این علم بعدها از طریق ترجمه کتاب هنر شاعری ارسطو فیلسوف یونانی، با عقاید و آرای دیگر فیلسوفان یونانی نیز آمیخته شد.

در این پژوهش بیان شگردهای بلاغی در اشعار عرفانی ابن معصوم شیرازی قابل توجه است، ما برآنیم تا بر این اساس، به بررسی ساختار و محتوای صور بلاغی همراه با اندیشه‌ها، و موتیف‌های عرفانی به‌کاررفته در اشعار وی پردازیم. کاربست درون‌مایه‌های عرفانی در قالب اسلوب بلاغت، نشانی از حساسیت ذهنی شاعر به طرح موضوعات فرازمینی است. این شاعر برجسته در شگرد مضمون‌آفرینی با بن‌مایه‌های تصوف و عرفان و بهره‌گیری از سازه زبانی صور بلاغی، موفق است. اغلب موضوعات عرفانی به‌کاررفته در اشعار بلاغی او حاوی موضوعاتی چون تشبیه، استعاره، مجاز، پارادوکس، کنایه و... است. وی اسلوب بلاغی را ماهرانه برای بیان مضامین عرفانی به‌کار برده است، از این رو شایسته است سبک بلاغی اشعار عرفانی وی مفصل‌تر و جزئی‌نگران‌تر مورد بحث و بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است مقاله مورد نظر جهت استفاده و آشنایی دانشجویان رشته معارف و ادبیات با اشعار ابن معصوم شیرازی می‌باشد.

بنابراین در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی بلاغت در ادب ابن معصوم مدنی و صور خیالی وی در دیوانش مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم، و درباره معنی تصویر در لغت و اصطلاح بحث- کردیم و به بررسی و تحلیل آن و اثرپذیری اش در بلاغت پرداختیم و نیز نکات بلاغی از جمله تشبیه و مجاز و استعاره و ... را در بعضی از ابیات دیوان ابن شاعر بزرگ مورد بررسی قرار دادیم. سعی بر آن شده تا به این دو سوال پاسخ دهیم:

۱- ابن معصوم شیرازی در دیوانش بیشتر از چه نوع صوری استفاده کرده است؟

۲- صور خیالی که ابن معصوم شیرازی در دیوانش به کار برده چه تأثیری بر خوانندگان و شنوندگانش دارد؟

پیشینه پژوهش

پیرامون اشعار ابن معصوم شیرازی از منظر زیباییشناسی و شگردهای بلاغی مطالعه‌ای صورت نگرفته است و سهم بررسی اشعار وی در این زمینه بسیار ناچیز است. در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که آثار ابن معصوم شیرازی فقط در کتب تراجم مورد اشاره قرار گرفته است، و نیز محمد رضوی در مقاله «پژوهشی پیرامون مؤلف ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین» که در سال ۱۳۹۱ در شماره ۱۸۴ کتاب ماده دین چاپ شده به آثار سید علی خان اشاراتی دارد؛ و نیز مرتضی رحیمی در مقاله «پژوهشی درباره سید علی خان مدنی و آثار وی» در سال ۱۳۹۷ در شماره چهارم و در فصلنامه علمی تخصصی «رهیافت فرهنگ دینی» به اهمیت آشنایی با آثار سید علی خان مدنی و نقطه نظرات فقهی او پرداخته است.

بحث

سیره ابن معصوم شیرازی:

سید صدرالدین علی بن احمد بن محمد معصوم حسینی دشتکی شیرازی، معروف به سید علی خان مدنی، در شنبه شب، ۱۵ جمادی الاول سال ۱۰۵۲ ق در مدینه منوره متولد شد. (سید علی خان مدنی، ۱۴۱۱: ۶ و ۷). ابن معصوم از علمای شیعه قرن دوازدهم هجری است دوران کودکی و نوجوانیش در مکه مکرمه پرورش یافت، پدر فاضلش ادیب سید نظام الدین احمد از دانشوران شیرازی تبار حجاز بود و در شمار نوادگان علی بن الحسین (علیه السلام) بود. (مدرس تبریزی، ۱۳۲۶: ۹۱).

او یک ادیب و فقیه عرب حجاز است که در هند زندگی و از شهرهای زیادی از مناطق جهان اسلام دیدار کرده است. نسب او به زید بن علی بن الحسین بن علی (ع) برمی گردد. در دوران زندگی خود سمت‌های متعددی در حکومت مغولان هند داشت سپس از تمام پست‌های خود کناره‌گیری کرد و در شیراز منزل گزید و تا آخر عمر خود به تدریس و تألیف و سرایش شعر پرداخت. ابن معصوم تألیفات گسترده از جمله «ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین» و «سلوه الغریب و اسوه

الادیب» و «الدرجات الرفیعه فی الطبقات الامامیه من الشیعۀ» و «سلافه العصر فی محاسن اعیان العصر».

شعر ابن معصوم در واقع آینه زندگی اوست که توانسته تمام اتفاقات و شخصیت وی را تجلی بخشد و برای خواننده عرضه کند. او در بیشتر اغراض و فنون شعری مشهور در عربی نظم سروده و قصائد متعددی در مدح و ستایش و حکمت و غزل و فخر و عتاب از خود به جای گذاشته است. مهمترین ویژگی‌های شخصیت شاعر که از طریق اشعارش یافتیم از این قرارند: ۱- ولایت‌مداری و محبت اهل بیت (علیهم السلام): ابن معصوم در بسیاری از اشعار و سرودهایش محبت و علاقمندی خود به اهل بیت (علیهم السلام) را ثابت کرده است. ۲- با عاطفه بودن، ۳- با وفا بودن، ۴- اعتماد به نفس داشتن: این صفت یکی از صفات‌های شخصیتی ابن معصوم می‌باشد که در بسیاری از اشعار و سرودهایش دیده می‌شود. ۵- با حکمت بودن: این حکمت را می‌توان در شکل نصیحت‌کردن و صحبت‌کردن از تجارب گذشتگان و همچنین قیاسات منطقی و استنتاجاتی که در این زمینه می‌گیرد. ۶- با فرهنگ بودن: به این صفت می‌توان از روی آوردن شاعر به ضرب‌المثل‌های عربی و همچنین اشارات تاریخی ظریف و اقتباس از شاعران عرب مشهور خواه قبل از اسلام و در دوران جاهلیت و یا خواه در دوران اسلام پی‌برد.

او در سال‌های تدریس شاگردان بسیار پرورید از جمله سه تن از کامروایانی که اجازه بازگویی شنیده‌ها و نگاشته‌های سید ادیبان حجاز را دریافت داشته‌اند:

۱. علامه گرانمایه حضرت شیخ محمدباقر مجلسی گردآورنده مجموعه نفیس بحار الانوار.

۲- سید محمد صالح حسینی خاتون‌آبادی.

۳- شیخ باقر بن محمد حسین مکی.

سید علی خان (رحمه الله) سال ۱۱۲۰ هجری وفات یافت و همچنین به نقل قول از سبحة المرجان که وفات او (رحمه الله) سال ۱۱۱۷ هجری و در ریاض العلماء که مؤلف آن میرزا اصفهانی معاصر للمترجم له قاله: سید مدنی در شیراز در ماه ذی القعدة سال ۱۱۱۸ هجری وفات یافت و در سفینه البحار سال ۱۱۱۹ هجری وفات شد. و در حرم سید احمد بن موسی بن جعفر کاظم (علیهم السلام) ملقب به شاه‌چراغ نزد جدش غیاث الدین بن منصور دفن شده است. (شیخ عباس قمی، ۱۳۴۴: ۲۴۶)

اشعار عرفانی ابن معصوم شیرازی در پرتو اسلوب بلاغی و صور خیال

تصویر در لغت و اصلاح: در تعریف لغوی برای تصویر آورده‌اند «قد صورَه فتصور» (ابن منظور،

۱۴۱۲: ۷/ ۴۳۸)

تصویر در زبان فارسی مترادف خیال است الظل و الشبح (سایه و شبح). تصویر در مقام اسم از لفظ صوره (عکس) گرفته شده است. عکسی که روی برگه یا دیوار و... کشیده می‌شود. (معجم المعین، تحت المفردة)

که این معادل لفظ انگلیسی برای تصویر است این مفرد به معنای (image) که به معنای تصویر یا یک تفکر ذهنی است.

صوره یا عکس به همه چیز خیلی نزدیک است، عکس یا صوره یک شخص یا یک شیء در آینه و در آخر (درنهایت) توصیف خیالی یا تطبیق تخیل که عکسی (صوره) در ذهن قاری و خواننده یا شنونده به وجود می‌آورد.

ولی در مباحث ادبی خیال و تصویر معادل (imagery) و (image) که به مجموعه‌ای از تصرفات علم بیان و مجاز اطلاق می‌شود، که متکلم در هنگام تکلم (صحبت کردن) با کلمات واژه‌ها آن را تصور می‌کند و عکسی (صورتی) در ذهن قاری (خواننده) یا شنونده به تصویر می‌کشد. (داد، ۱۳۸۵: ۱۳۹)

لذا می‌توانیم بگوییم تصویر خودش عنصر اساسی در کلام ادبی موزون و مقفی که در لابه‌لای زبان توصیفی یا مجازی و با استعانت از فنون بیانی همانند تشبیه، استعاره، مجاز، رمز، تراسل الحواس و کنایه و... به وجود می‌آید.

تجسم کیفیت به‌کارگیری الفاظ و کلمات و بیان تراکیب جدید و تکراری قبل از شعرا، تصاویری ذهنی بوده‌است لذا تصویر، عبارتی است از تمثیل و نمایش تجربه حسی در لابه‌لای لغت و زبان. برحسب این تعریف که خودش مجموعه‌ای از تصرفات بیانی و مجازی همانند: تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تمثیل، رمز، اغراق، مبالغه، اسناد مجازی، تشخیص، تراسل حواس، تناقض و... (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۹ و ۱۲) می‌توانیم هر تصرف خیالی در زبان را یک تصویر نام‌گذاری کنیم (کل تصرف خیالی فی اللغة) (فتوحی، ۱۳۸۵: ۴۴)

اهمیت تصویر بسیار زیاد است تا حدی که معیاری برای براعت شاعر و طاقت و تحمل آن است. پس هر وقت قدرتی برای وی زیاد شد تصاویری را خلق می‌کند و در این زمینه براعت وی زیاد است. براین اساس رومانطیقی‌ها معتقد بودند غایت و هدف کمال در زبان مصوره کشیده شده‌است نه در گزارش و بیان رئیسی عقلانی است. لذا شعر کلاسیکی که به جوانب عقلی می‌پردازد و اهمیت می‌دهد با انتقادات حاد زیادی مواجه گردید. (غنیمی هلال، بی تا: ۴۹۷)

نقش تصویر در علم بلاغت

تصویر یکی از جوانب جمالی در متون ادبی است و جایگاه متمایزی در علم بلاغت دارد و علم بیان در این زمینه مباحث مختلفی همانند تشبیه و استعاره را به نمایش می‌گذارد و هریک از این‌ها از تصاویر بدیعی تعبیر می‌کند که اگر پذیرفتیم که همانا علم بلاغت شامل همه تصاویر زخرف بدیعی و بیانی شود. (پور نامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲)

تشبیه مهم‌ترین عناصر ساختاری در این علم است و فنون خیالی دیگر همانند استعاره و تشخیص و رمز و کنایه از آن سرچشمه می‌گیرد.

تشبیه دلالت می‌کند بر امتداد وسعت رویایی شاعر و تشبیه آشکار می‌کند که شاعر چگونه توانست رابطه‌ای بین اشیاء و عناصر غیرمرتبط و متنوع رابطه و علاقه ایجاد کند.

علاقه‌ای که فقط شاعر در استنباط و درکش از آن می‌تواند بهره‌گیرد. به عبارت دیگر پایه و اساس رئیسی در احساسات شاعر تشبیه است. و برای همین سبب بن رشیق تشبیه لطیف و استعاره زیبا را اساس شعر نهاد پس او معتقد است: همانا شعر شامل تشبیه خوب و استعاره جمیل و زیبا است و بدون این دو فقط وزن باقی می‌ماند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۷).

و با وجود این که اساس استعاره بر تشبیه متکی است می‌توانیم بگوییم بن رشیق معتقد است که اساس شعر تشبیه است و از جهتی دیگر تشبیه از تقلید یا ابداع کاتب و شاعر تعبیر می‌کند و مؤلف برپایه دارد که او یا مقلد است یا مبدع.

این گونه است که ابداع، شعرا و نویسندگان صاحب اسلوب را از مقلدین متمایز می‌سازد. چون که شعرا مقلد از تشبیهات و استعاراتشان استفاده می‌کنند و در واقع با دبدگان‌شان می‌نگرند و با زبانشان نطق می‌کنند. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۷۸)

عمده‌ترین سبب که تصویر را فنی و بدیعی و جدید قرار می‌دهد آن دیدگاه و قدرت تخیلی است توسط مبدعش چون نوع دیدگاه و قدرت و توان در ابداع هنرمند را از مردم جدا و متمایز می‌سازد و به وی کمک می‌کند در تلقی علاقات و روابط سری بین ظواهر و حوادثی که پیرامون وی رخ می‌دهد باعث می‌شود تصاویر خیلی خوبی بیافریند که مردم قادر به خلق آن نیستند.

بنابراین اهمیت یافتن این علاقات زیاد می‌شود، چون هر وقت ذهن و دیدگاهش فعال و نوآور و مبدع باشد تلقی آن زیاد می‌شود و در نهایت تصاویر ابداعش و فن و هنرش بیشتر و بهتر نمایان می‌شود. لذا نتیجه می‌گیریم که تلقی علاقات سریه و بارز بین ظواهر در خلق و آفرینش تصاویر فنی و مبدع دارای اهمیت است. علاقه در قالب مقوله (وجه شبه) (استعاره و رمز) با ذکر صفات عدیده (برای مشبه به) و تفسیر و تبیین (وجه شبه) محذوف تجلی می‌شود.

هرآنچه در شعر نمایش داده می‌شود مانند ارائه و بیان علاقه بین دو شیء همان‌گونه که هست تصویر نامیده می‌شود. هنگامی که کلمات چهره دست و پا در هم راه می‌روند و عواطف و احساساتش با یکدیگر درهم آمیخته می‌شود. تولد تصویر را مشاهده می‌کنیم. (نوری علاء، ۱۳۴۸: ۵۵)

در بررسی و تحلیل ما در مظاهر تصاویر در شعر ابن معصوم شیرازی که با ادوات و ابزار صور خیالی محقق شده است از مهمترین ادوات و ابزار فنی برای تصویر همانند تشبیه، تراسل حواس، استعاره، مجاز و کنایه استفاده می‌کنیم:

*تشبیه:

غرض در تشبیه آن است که نصف حالت مشبه در ذهن است و با کمک و استعانت مشبه به که آن در صفتی از صفات اعرف و اقوی‌تر از مشبه است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۲).

تصویر در شعر بیانی است که صور ذهنی حاصله از تلقیات حسی برای شاعر را زنده و احیا می- کند به عبارت دیگر به حالتی که شاعر در آن احساس می‌کند که می‌بیند و لمس می‌کند و استشمام می- کند و چیز متمایزی را می‌شنود منجر می‌شود. (اسکلتن، ۱۳۷۵: ۱۵۵)

نکته مهمی که تولستوی به آن اشاره دارد این است که: ما به واسطه عادت اطرافمان و پیرامونمان را نمی‌بینیم و فنان و شاعر با دید دیگری آن را کشف می‌کند. (نفیسی، ش ۱۷: ۱۴۷-۱۵)

ابن معصوم شیرازی در اکثر قصایدش از تشبیهات حسی استفاده کرده‌است و این بر ذوق ادبی و قریحه شعری و تیز بینانه وی دلالت می‌کند همانند ابیات زیر:

کم قبلتني الليالي في تصرفها / فكنت قره عين الفضل و الأدب / تزيدني نوب الأيام مكرمه / كأنني الذهب الإبريز في الذهب (ابن معصوم المدني، بی تا: ۱۰).

در این ابیات خودش را به ابریز طلایی تشبیه کرده‌است که بر اثر شراره شعله آتش، زیرا که لیالی و شب زنده‌داری بر وی سیطره و احاطه کرده‌است. و همچنین گرفتاری روزگار بسیار وی را عذاب داده‌است (فعدبته تعذبا شديدا) به شکلی که رنگ رخسارش را همانند طلا زرد کرده‌است (دز اینجا رنگ و رخسار زردش را به طلا که زرد است تشبیه کرده‌است).

و در جای دیگر می‌گوید:

هذا أبي حين يعزى سيد لأب / هيئات ما للورى يا دهر مثل أبى

قطب عليه رحى العلياء دائره / وهل تدور الرحي إلا على القطب

كالليث والغيث فى عزم و فى كرم / والزهرة و الدهر فى شبر و فى غضب

(ابن معصوم مدنی، بی تا: ۱۱).

در این ابیات شاعر پدرش را به لیث (شیر) تشبیه می‌کند چون که پدرش دارای عزم و اراده‌ای قوی بوده‌است و پدرش را به غیث (باران) تشبیه می‌کند چون انسانی جواد و بخشنده بوده‌است. ابن معصوم به این مقدار از این تشبیه اکتفا نمی‌کند بلکه تشبیهات دیگری در مجال وصف صبح و پشیمانی وی از آن نیز دارد:

فقلت للصبح قوموا للصبح بنا / يا طيب مصطبح فيه و مصطحب

وإستضحكوا الدهر عن لهو فقد ضحكت / كأس المدامه عن ثغر من الحجب

فقام يسعى بها الساقى مشعشعه / كأنها حلب العناب لا العنب

حمراء تسطع نورا فى زجاجتها / كالشمس فى البدر تجلو ظلمه الكرب

(ابن معصوم المدني، بی تا: ۹)

در اینجا شاعر خمر را به عناب تشبیه کرده‌است و ماهیت انگوریش را انکار کرد، چون که خمره را دید که نوری سرخ رنگ در زجاجش ساطع می‌کند.

با مطالعه دقیق شعر ابن معصوم شیرازی به کیفیت عواطف و احساسات محرک و برانگیختن افکار وی پی می‌بریم.

* آیرونیک لفظی:

در متناقض‌نمای لفظی، صاحب‌المفارقة چیزی می‌گوید که با قصدش کاملاً متفاوت است و مفارقة دلالت دارد بر این که مفاهیم حاصله از شیئی در ذهن با حقیقت مفهوم متفاوت است و مقصودش تمام است. لذا مفارقة تضاد و عدم مطابقت بین حقیقت و مظهر را می‌طلبد در حالی که او از مضادات حاد سخن می‌گوید (المضادات الحادة) (احمد غنیم، ۱۹۹۸: ۲۳۸).

الآیرونیک (Irony) در اشعار به صورت جامع، نوعی از انواع ادب است که حالت دفاعی یا هجومی مؤلف را نشان می‌دهد.

در شعر ابن معصوم شیرازی تناقض نقش بارز و آشکاری را بازی می‌کند به نمونه‌ای از این ابیات اشاره می‌کنیم:

| | |
|-------------------------------|----------------------|
| يا لبيضاء زانت الوجنه الحمراء | منها بالشامه الخضراء |
| أنا من فرقها ومن فرعها الفاحم | في صبوه صباح مساء |

(ابن معصوم المدني، بی تا: ۵)

شاعر در این ابیات بین صبح و عصر که تناقض دارد اجتماع داده یا به عبارتی دیگر شاعر صبح و عصر را در این ابیات جمع کرده که صبح و عصر متناقض‌اند. گویا وی می‌خواهد کودکی همیشگی‌اش که هرگز از آن جدانشده را به تصویر بکشد که باعث شده صبحش را از عصرش تفکیک نکند به خاطر هموم و غم‌هایی که به او گذشت. کنایه از روزهای سخت ایشان در دوران کودکی بوده است. (حم فی صبوه صباح مساء)

یعنی شاعر با تصرف ادبی‌اش در طبیعت، اشیا و مفاهیم متضاد را با یکدیگر ارتباط می‌دهد و با این شیوه تصاویر جدیدی به دست می‌آورد و علاوه بر تازگی مملو از مفاهیم است که کسی جز او در القائش به مخاطب انتخاب نمی‌کند.

این معجزه یا ارتباط اشیا متنافره و متضاد و بروز آن مقبول و قابل قبول است که معجزه شعر به شمار می‌رود. (عباس، بی تا: ۸۳۳).

* جستجو در تصویر شعری:

خیال از ثمرات و عوامل محرکه در عاطفه جمال و تضمن لذت ابداع است، چون که فکر فنان و هنرمند و ابداعش برای فکر و اندیشه جدید و الهام گرفته‌اش را تکمیل می‌کند. (غریب، ۱۳۷۸: ۴۹)

همیشه تشبیه از عناصر محرکه برای خیال به شمار می‌رود. تشبیه ضمنی بهترین تشبیهات از حیث انتقال خیال به مخاطب است که به (ایماج) یا تصویر در دیوان شاعر منجر می‌شود. پس مشبه و مشبه‌به در قالبی از قوالب معروف در تشبیه نیستند. بلکه به آن‌ها باکنایه اشاره دارد و از معنایش استنباط می‌

شود. در این نوع از تشبیه، مشبه به همیشه برهان است برای شی که امکان دارد به مشبه نسبت داده شود. (خاقانی، ۱۳۷۳: ۱۳).

شعر از زیباترین مظاهر زبان فن است، که برای هدف انتقال معانی از طریق ارتباط کلامی با مبانی فنی و جمالی به کارگرفته می‌شود. در این اثنا، مبانی جمالی به غربی‌ها برمی‌گردد. کسانی که به بررسی و تحلیل و تن‌های ادبی از طریق آرا جمالی یا آرایه‌های جمالی پرداختند. هگل معتقد است: (إن الأثر الفني هو حصيلة الدقات الفن الروحية و المعنوية. (هر چند در فنان و هنرمند تهذیب و ازدیاد پیدا کند شایسته است که افکار عمیق و حالات روحی به شکل اساسی را ترسیم‌کند و به تصویر بکشد.

شی زیبا اگر از روح سرچشمه بگیرد زیبای حقیقی است در واقع بهترین وظیفه فن زیبا این است که عنصرش آلهی قرارداد دهد و مطلوب و قابلیت تنفید و اجرا باشد. (هگل، ۱۳۶۳: ۳۵-۲۹؛ ۶۷-۶۴) انسان بر حسب طبیعتش دوست دارد که با دیگران در عواطف و احساساتش مشارکت داشته باشد. ریشه زیادی از مفاهیم جمالی در عواطف است. عواطف باطنی در خواننده بسیار تأثیر دارد عنصر مهم در فن احساس است و منظور ما از احساس، احساس فنان و هنرمند و تأثیر عاطفی وی در مخاطبانش است. (جراهم، ۱۳۸۳: ۵۴)

خیال یک نوع لغزش علاقه‌ها (رابطه‌هاست) و به عبارتی یک روش یا رویکرد باطنی است. (علی پور، ۱۳۷۸: ۳۳)
*مجاز:

یکی از موضوعات دیگر از علم بیان مجاز است. مجاز از صور پایه اساسی از اهمیت این فن است و اهتمام اهل بلاغت به آن برای ما کافی است. اهل بلاغت مجاز را از مقاصد رئیسی و اساسی در علم بیان به شمار آوردند. (تفتازانی، ۱۴۰۷: ۳۴۸)

ایجاد معرفت و استنباط از طریق تصویر و رغبت در آن گاهی منجر به به‌دست‌آوردن مجهولات می‌شود. مفاهیمی که از طریق تعاریف و توصیفات، قابل انتقال نیستند با استعانت و کمک گرفتن از تصویر قابل انتقال هستند.

کار تصویر اداء برای معرفت و شناخت فنی و رشد نبوغ است. استعمال کلمه در معنای مجازی سبب توالد و به‌وجود آوردن کلمات مهجوره است.

در زبان مجازی شاعر از چهار چوب معجمی خارج می‌شود و به صناعات بلاغی روی می‌آورد تا تصویر جدیدی را خلق کند. اصطلاح تصویر برای تمام استعمالات و کاربردهای زبان مجازی به کار گرفته می‌شود. در این مفهوم، تصویر عبارتی است از کل استعمال مجازی برای زبان یا کلمه است و

شامل بر صناعات و تمهیدات بلاغی همانند تشبیه، استعاره، رمز، عراق، مبالغه، اسطوره، اسناد مجازی، تراسل حواس، تناقض و... (فتوحی، ۱۳۸۹: ۴۵).

مجاز گوهری است از گوهرهای گرانبها در علم بلاغت است که متکلم بلیغ و کاتب بارع و توانمند می‌تواند از این نوع استفاده کند و کلام را موافق و همسان ذوق و سلیقه و اساساً تا نهایتی و غایتی رفیع و بلند قرار دهد و علاوه بر جمالش معنی را در ذهن خواننده نزدیک می‌کند. (جرجانی، ۱۳۶۸: ۳۶۵)

به چند بیت که دارای معنای مجازی هستند در شعر ابن معصوم شیرازی اشاره می‌کنیم:

أفی الحق أن أصدی و فی القلب غله
یشب لها بین الجوانح الهوب
ویصبح من دونی نقیعاً أوامه
یسوغ له عذب الموارد أتعوب
أروح و أغدو تفتضینی نجاحها
أمانی نفس کلهن أكاذیب

(ابن معصوم المدنی، بی تا: ۱۲)

در این ابیات شاعر کلمه (الدهر) را مجاز برای ناس به کار برده و می‌خواهد بگوید که من حقی بر گردن مردم دارم و مردم حقی بر گردن من ندارند و در جای دیگر می‌گوید:

لقد أن أن یصفو من العزّ موردی
فینجح مأسول و یرتاح مکروب

(ابن معصوم المدنی، بی تا: ۱۳)

در این بیت (المورد) مجاز است برای مواقف شاعر است چون شاعر خودش را می‌بیند که تشنه و وصول به معالی و تجلی است.

*استعاره

استعاره چیزی است که آرایه لفظی جایگزین لفظ دیگری طلب‌کنی و باید بین آن دو لفظ علاقه و مشابهت وجود داشته باشد، پس استعاره در واحه مجاز و تشبیه قرار می‌گیرد، چون که در آن علاقه و تشبیه وجود دارد چه بسا ممکن است مشبه و وجه شبه و ادات تشبیه را در آن حذف کنیم. (تفتازانی، ۱۳۸۹: ۲۴۷)

در دیوان ابن معصوم شیرازی استعاره بیشتر از سایر صور خیال نمایان است لذا اهتمام به عنصر بلاغی و تکنیک بیانی برای تصویر در متون ادبی بسیار مؤثر است. یکی از مبادی و منابع در استعاره، تصویر است. استعاره تصویری در لغت ادب بسیار به کار گرفته می‌شود. استعاره شعر مملو از مفاهیم مصوره اساسی است که از لحاظ گستردگی تخیل بسیار غنی است.

بعضی از استعاره‌های موضوعه یا جدید امکان دارد که بر کل متن ادبی سیطره کند بدون این که در متن ادبی ظاهر شود. بعضی وقت‌ها چیزی که در سطح متن ادبی دیده می‌شود استعاره کوچک است تا که استعاره‌های بزرگ و گسترده زیر آن پنهان شوند. (Kovecse: ۲۰۱۰: ۵۷).

ابن معصوم شیرازی استعاره را منبعی برای تأثیرگذاری در بسیاری از تصاویرش قرار می‌دهد.

به کارگرفتن عناصر طبیعی و بارز و آشکار برای تحقق افکار و محتویات ذهنی و تحرک ضروری است. زیرا برای نشان دادن حوادث کبیره و بزرگ احتیاج مبرمی به عناصر مادی داریم که از آن شایسته‌تر پیدا نمی‌کنیم. (باحقی، ۱۳۷۱: ۴۵)

شب یکی از ظواهر و پدیده‌های طبیعی بزرگی است که جمالش و جمال سایر اجرام آسمانی در آن دیده می‌شود، ولی شاعر این عنصر طبیعی را به شکل مغایر به‌کار می‌گیرد تا وحشت و خوف موجود در آن را همانند یک نقاش ماهر و بارع به تصویر کشد، مانند:

الصبح خیم فی الآفاق عسکره

واللیل أزمع من خوف علی الهرب (ابن معصوم المدنی، بی تا: ۹).

در این بیت الیل استعاره مکنیه است. شاعر لیل (شب) را به انسان تشبیه کرده است و خوف را که از حالات بشری برای شب نسبت داده است و در جای دیگر صبح و اشراق (روشنایی) خورشید را در لابلای استعاره مصرحه به تصویر می‌کشد:

أشرق فی غلاله زرقاء

فأغارت شمس الضحی فی السماء

(ابن معصوم المدنی، بی تا: ۴)

در این بیت شاعر محبوبه‌اش را به خورشید که در وسط آسمان می‌درخشد تشبیه و در توصیفش مبالغه کرده است، در جایی که گفت خورشیدش یا معشوقه‌اش خورشید حقیقی پنهان شد.

نتیجه‌گیری:

مطالعه و پژوهش اشعار ابن‌معصوم امری ضروری و شایسته است، زیرا او گام‌های مثبتی در زندگی‌اش برداشت، و در زمینه شعر و ادب به کارگرفت. وی دیوان عظیمی دارد که مملو از صور خیال و بدیع است. در شعر وی دقت در معانی و ظرافت اسلوب دیده‌می‌شود و در قصیده‌هایش، معنی و مبنی را به هم ربط می‌دهد. در بررسی دیوان قطورش خصیصه‌های بلاغی به شکل واضح مشاهده می‌شود، و در لابلای آن انواع صور بلاغی مانند معانی و بیان و بدیع به‌خصوص انواع تشبیه، مجاز و انواع مختلفی از استعاره و کنایه برحسب مقتضیات متن دیده‌می‌شود.

وی اسلوب تشبیه را به انواع متعدد و متناوب از لحاظ صور و تأثیرات روحی و عاطفی شدید به کار گرفته‌است. ابن‌معصوم شیرازی خودش را موظف به اسلوب تشبیه در قصائدش ساخته‌است تا از مکنونات قلبش به‌صراحت تعبیر کند. وی دارای اسلوبی خاص است تا جایی که از معانی مالوفه اجتناب می‌ورزد و معانی جدید و دور از غموض و ابهام پیش می‌گیرد و در اشعارش عمداً پیچیدگی و گره به کار می‌گیرد تا خواننده اهتمام زیادی به حل و گشایش این پیچیدگی‌ها و گره‌ها به کارگیرد. بسیاری از تشبیهات به‌کارگرفته‌شده در قصائدش بدیعی و حدیث و جدید است گرچه عاری از تشبیهات تکراری و رکیکه یا سخیفه نیست. علاوه بر این شاعر به تصرف و ترمیم در این تشبیهات می‌پردازد و آن را با طراوت و غرابت با عناصر لغوی و ادبی می‌پوشاند. او در اغلب قصائدش از اسناد مجازی بسیار استفاده کرده‌است و مجاز را نوعی مفرد و عقلی در خلال قصائدش را می‌بینیم. مجاز به‌کارگرفته‌شده در قصائد ابن‌معصوم شیرازی گسترده‌است تا جایی که شامل کنایه، استعاره و بعضی از دیگر از صور خیال است لذا تمییز دادن مجاز و کنایه در قصائدش بسیار سخت است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی تا) مقدمه ابن خلدون، بیروت: دار الجیل.
- احسانی، محمد امین. شفیعی تابان، مریم، ۱۴۰۱، روانشناسی عرفانی دین بر اساس نظریات یونگ در دفتر ششم مثنوی، سال هجدهم. شماره ۷۱. زنجان: فصلنامه علمی عرفان اسلامی.

- ابن منظور (۱۴۱۰)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، الطبعة الأولى

- أحمد غنیم، کمال (۱۹۹۸) عناصر الإبداع الفنی فی شعر أحمد مطر، قاهره، مکتبه مدبولی، الطبعة

الأولى

- بورنامداریان، تقی (۱۳۸۰)، فی ظلال الشمس، تهران: انتشارات سخن، الطبعة الأولى

- بزی، علی اکبر. ۱۴۰۱. بررسی تفاوت محتوایی غزل عارفانه عطار و مولانا با غزل عرفان گرایانه

سعدی و حافظ. سال هجدهم. شماره ۷۱. فصلنامه علمی عرفان اسلامی.

- التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر، مختصر المعانی، دار الفکر، قم، ط ۱/، ۱۴۱۱ هـ

- حسن، عباس، (۱۹۶۶)، النحو الوافی، قاهره، دارالمعارف.

- حنا الفاخوری، الجامع فی التاريخ الادب العربی، ج ۱، بیروت ذوی القربی، ۱۴۲۷ هـ ق.

- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۶۸)، دلائل الإعجاز فی القرآن، ترجمه سید محمد رادمش، مشهد:

انتشارات الحرم الرضوی .

جرجانی، سید شریف علی ابن محمد (۲۰۰۳م) کتاب التعریفات، چاپ اول، بیروت، دار احیاء

التراث العربی

- داد، سیما (۱۳۸۵). معجم مصطلحات الأدبیه، تهران: انتشارات مروارید.

- سعدون زاده، جواد، تاثیر شعر عربی پیش از اسلام بر مضامین شعر فارسی، نشریه ادبیات

تطبیقی، دوره جدید، سال اولف شماره ۲، بهار ۱۳۸۹.

- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۲)، صور الخیال فی الأدب الفارسی، تهران، انتشارات آگاه.

- شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، کلیات معرفه الأسلوب فی الأدب الفارسی، تهران: نشر فردوس.

- صفایی، غلامعلی، ترجمه و شرح مغنی الادیب، ج ۱، ص ۱۴۱، قم، قدس، چاپ هشتم، ۱۳۸۷ ش.

- صفی پوری، عبدالکریم، منتهی الارب، ج ۱، ص ۰۲، تهران، سنایی.

- علی پور، مصطفی (۱۳۷۸)، أسلوب اللغة فی شعر الیوم، تهران: انتشارات فردوس.

- غریب، رز (۱۳۷۸)، النقد علی أساس الجمالیات و أثره فی النقد العربی، مشهد: مؤسسه الطبع

والنشر فی جامعه فردوسی.

- غنیمی هلال محمد، (بی تا)، الأدب المقارن، ترجمه سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

- فتوحی، محمود (۱۳۸۹) بلاغه التصوير. تهران: سخن، الطبعة الثانية .

- کافی، غلامرضا، ۱۳۸۶، شرح منظومه ظهر، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

- مدنی، علی صدر الدین بن محمد معصوم، دیوان ابنمعصوم المدني، ط ۱، القاهرة، ۲۰۱۰م.

- مدنی سید علی خان، الدرجات الرفیعه فی طبقات الشیعه، ص ۶، مکتبه الحیدریه، نجف ۱۳۸۱ق، مقدمه صادق بحر العلوم.

- مدنی سیدعلی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۷، ص ۴۴۷، چاپ اول، نشر جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۹ ق، مقدمه ناشر.

- نوری علاء، اسماعیل (۱۳۴۸)، الصور و الأسباب فی شعر الیوم، تهران: طبعه افست.

- هگل (۱۳۶۳)، مقدمه علی الجمالیات، ترجمه: محمود عبادیان، آوازه، الطبعة الأولى

- همایی، جلال الدین؛ فنون و صناعات ادبی، تهران، نیما، ۱۳۸۰، چاپ هجدهم، ص ۲۴.

- همایی، معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی، ص ۳، تهران، ۳۷۰ش.

Received: 2022/12/5
Accepted: 2023/2/12
Vol. 21/No. 79/Spring 2024

scientific quarterly journal of Islamic mysticism
(Erfan.eslami.zanjan@gmail.com)
<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Investigation of Rhetorical Techniques in the Mystical Poems of Ibn Ma'sūm Shirazi

Bahar Omidi¹, Sadegh Ebrahimi Kavari^{2*}, Javad Sadunzadeh³

PhD Student, Arabic Language & Literature, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran.

Assistant Professor, Department of Arabic Language & Literature, Abadan Branch, Islamic Azad University, Abadan, Iran. *Corresponding Author, Ebrahimi.kavari70@iauabadan.ac.ir

Associate Professor, Faculty of Theology & Islamic Studies, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.

Abstract

The purpose of this research is to investigate the most prominent rhetorical techniques of Ibn Ma'sūm Shirazi's poems. The statistical community of studying his mystical poems is the verses that Ibn Ma'sūm, beyond the originality of the words, tried to align them with arrays through his perspective and intellectual thought to reach them. The main question of the research is what method and style does Ibn Ma'sūm consider in the structure of the elements of a verse in applying innovative science and expression. In composing poems, he has given great importance to beautifying the language and literary arts of the field of innovation. It is necessary to know the most frequent ways of composing Ibn Ma'sūm's poems and the style and context of linking them to his fundamental and mystical thoughts. Ibn Ma'sūm is concerned that the most effective speech is the one that is more decorated; Therefore, it has given another effect to the types of images with the aim of emphasizing mystical themes, which is beyond the wording and embellishment of the verses; Ibn Ma'sūm's goal is to highlight and influence his thoughts with the help of such literary works. This function in his poems has not been investigated so far. The result is that Ibn Ma'sūm has made his poems more effective by knowing and mastering the functions of the science of expression and originality. Also, one of the findings of the research is that Ibn Ma'sūm, like some poets of his time, used literary arrays in many poems, especially puns, contrasts, metaphors, similes, etc., and in this way he tried to embellish his poems.

Keywords: Ibn Ma'sūm Shirazi, mystical poems, eloquence, Rhetoric.